

ای بلبان ای بلبان فصل گل و گلزار شد	ای عارفان ای عارفان آن غیب، در اظهار شد
ای عاشقان ای عاشقان، معشوق رخ بنمود عیان	ای طالبان، ای طالبان، مطلوب در دیدار شد
صبح جمال حق دمید، انوار مطلق شد پدید	از حبس تن باید رهید تا در هوا سیار شد
آن دلبر پرده نشین آن خسرو چرخ برین	چون یوسف مصری کنون در کوچه و بازار شد
آن غیب در قاف بقا پوشیده بد صد دهرها	اینک چو خورشید سماء بردشت و بر گهسار شد

### عید اعظم رضوان بر شما عزیزان مبارک باد

- ۱- مناجات شروع از آثار حضرت بهاءالله
- ۲- بخشی از لوح مبارک عید رضوان
- ۳- لوح مبارک حضرت بهاءالله
- ۴- لوح مبارک حضرت بهاءالله در خصوص نزول آیات
- ۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
- ۶- تنفس کوتاه
- ۷- ذکر دسته جمعی " یا منان یا منزل البیان... " ۵ بار
- ۸- بخشی از خطابه حضرت عبدالبهاء
- ۹- برگی از تاریخ
- ۱۰- ایشان از ما نمی خواهند که کورکورانه پیروی کنیم شعر
- ۱۱- شعر
- ۱۲- برنامه محلی
- ۱۳- الفت و پذیرائی
- ۱۴- مناجات خاتمه

## ۱- مناجات شروع:

قُلْ لَكَ الْحَمْدُ يَا مَوْلَى الْعَالَمِ بِمَا آيَدُ تَنِي وَ عَرَفْتَنِي وَ هَدَيْتَنِي إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ أَشْهَدُ أَنَّ الصِّرَاطَ صِرَاطُكَ وَالظُّهُورُ ظُهُورُكَ وَالْأَمْرُ أَمْرُكَ الْعَزِيزُ الْبَدِيعُ

ص ۶۵ اذکار المقربین ج ۱

## ۲- بخشی از لوح مبارک عید رضوان

قَدْ طَلَعَ جَمَالُ الْقُدْسِ عَنِ خَلْفِ الْحِجَابِ وَ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ وَ انصَعَقَتِ الْأَرْوَاحُ مِنْ نَارِ الْإِنجِذَابِ وَ إِنَّ هَذَا لَأَمْرٌ عَجَابٌ. ثُمَّ أَفَاقَتْ وَ طَارَتْ إِلَى سُرَادِقِ الْقُدْسِ فِي عَرْشِ الْقِبَابِ وَ إِنَّ هَذَا لَسِرٌّ عَجَابٌ. قُلْ كَشَفَتْ حُورُ الْبَقَاءِ عَنِ وَجْهِهَا النَّقَابَ وَ تَعَالَى جَمَالُ بَدْعِ عَجَابٍ. وَ أَشْرَقَتْ أَنْوَارُ الْوَجْهِ مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّحَابِ وَ إِنَّ هَذَا لَنُورٌ عَجَابٌ. وَ رَمَتْ بِلِحَاطِهَا رَمَى الشَّهَابِ وَ إِنَّ هَذَا لَرَمَى عَجَابٌ وَ أَحْرَقَتْ بِنَارِ الْوَجْهِ كُلَّ الْأَسْمَاءِ وَ الْأَلْقَابِ وَ إِنَّ هَذَا لَفِعْلٌ عَجَابٌ وَ نَظَرَتْ بِطَرْفِهَا إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ وَ التُّرَابِ وَ إِنَّ هَذَا لَطَرْفٌ عَجَابٌ. إِذَا اهْتَرَّتْ هَيَاكِلُ الْوُجُودِ ثُمَّ غَابَ وَ إِنَّ هَذَا لَمَوْتُ عَجَابٌ ثُمَّ ظَهَرَتْ مِنْهَا الشَّعْرَةُ السَّوْدَاءُ كَطِرَازِ الرُّوحِ فِي ظُلْمَةِ الْعِقَابِ وَ إِنَّ هَذَا لَلْوَنُ عَجَابٌ وَ سَطَعَتْ مِنْهَا رَوَائِحُ الرُّوحِ وَ الْأَطْيَابِ وَ إِنَّ هَذَا لِمِسْكٌ عَجَابٌ.

ادعیه حضرت محبوب صص ۱۴۶ و ۱۴۷

## ۳- لوح مبارک حضرت بهاء الله:

روز ندا می نماید و آفتاب مژده می دهد و ماه بشارت می گوید. ای دوستان، خداوند آگاه آمد، گواهی دهید. روشنی پنهان آشکار، به دل و جان بشتابید. آبه مژده می دهند و دریاها می رقصند و بیشه ها اخبار می نمایند. ای بندگان از دریای دانائی خود را محروم مسازید. نسیم فرحبخش وزید، پژمردگان را طراوت عنایت فرمود و تازگی بخشید. این روز پیروز را گفتار از عهده برنیاید و از شرح آن عاجز و قاصر مشاهده شود. نیکوست بنده ای

که بر منزلت امروز آگاه شد و بر مبارکی آن گواهی داد. در هر حال از دوست یکتا می خواهیم کل را از دریای عطای خود محروم ننماید و از مشاهده آفتاب راستی منع نکند.

آیات الهی ج ۲ ص ۴۷

۴- لوحی از حضرت بهاءالله در خصوص نزول آیات الهیه از قلم مبارک:

حضرت بهاءالله می فرمایند:

ملاحظه نمائید در این ظهور کل عالمند که به مدارس نرفته و تحصیل علم ننموده و از بیت اهل علم هم ظاهر نشده و اکثر ایام عمرش مبتلا و در سجنهای متعدد مسجون بوده معذک قلمش معین فُرات علوم نامتناهی ربانی گشته و اگر به دیده منزه از رمدهوی مشاهده شود در هر قطره آن، بحر علم و حکمت را موج بیند... اگر جمیع علمای ارض در حین نزول آیات حاضر باشند یقین بدانید که کل تصدیق مینمایند چه که مَفَر و مَهْرَبی مشاهده نمی نمایند الا الله الْمُتَكَلِّمُ النَّاظِقُ السَّمِيعُ البَصِير. زود است که نفوذ کلمه الهیه و احاطه قدرتش را ملاحظه می نمائید اگر چه حال هم مشهود و واضح است. مع آنکه در سجن بین ایدی غافلین بوده ظاهراً باهراً تصریحاً من غیر تأویل از ملوک و مملوک کل را به کمال اقتدار به شَطْر مختار دعوت فرموده...

لثالی حکمت ج ۲ ص ۱۷۹

۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

... شما اگر گوهر آبدارید، خوشی و شادمانی نمائید و اگر مرغان چمن پروردگارید، آغاز بانگ ونوا کنید و بال و پر بگشائید و به آشیان بلند یزدان دل بندید. آفتاب سپهر یزدانی از خاور مهر و مهربانی درخشید و پرتوی در

نهایت روشنی بر جمیع جهان انداخت. بینایان شادمان شدند و کوران آغاز آه و فغان کردند. بانگ سروش به گوش هوش بشنوید و آواز راز از چرخ رخشان گوش کنید. اکنون روز بیداری است و هنگام هوشیاری. زنده دلان در خوشی و شادمانیند و مردگان در اندوه و نادانی

پیام آسمانی ج ۲ ص ۵۴

### ۱۱- شعر «عید رضوان»

از فیض نسیمی خوش صد غنچه گل وا شد	گلزار پر از گل گشت آفاق مصفا شد
باد سحری برخاست تا مزده وصل آرد	بلبل به نوا آمد دلداده و شیدا شد
هان موسم رضوان شد عید آمد و عید آمد	خورشید پدید آمد اسرار هویدا شد
از رحمت ربانی طی شد شب ظلمانی	وان شاهد پنهانی باز آمد و پیدا شد
باغ و چمن و بستان شور دگری بگرفت	رخسار گل نرگس به به که چه زیبا شد
ای عاشق دلخسته برخیزو تماشا کن	کان شاهد ربانی چون ماه فریبا شد
ای منتظر رحمت آن پرده نشین آمد	گر طالب دیداری اسباب مهیاء شد
ای دیده به خود باز آدر خواب مرو زین پس	هنگامه گل بنگر هنگام تماشا شد
فرخنده بود این یوم برگوی مبارک باد	کان طائر ربانی در نغمه و آوا شد
کی سرکش خونین دل از خویش خبر دارد	چون محو تماشای آن یار دلارا شد

خورشید در سیاهچال (هوشنگ روحانی)

جمال اقدس ابهی بعد از ظهر یوم چهارشنبه سوم ذی القعدة ۱۲۷۹ هجری (مطابق با ۲۲ آوریل ۱۸۶۳ میلادی) و سی و دوم نروز سلطانی نخستین مرحله از سفر چهار ماهه خود بمرکز حکومت آل عثمان مبادرت فرمودند. جمال قدم و اسم اعظم در بین ناله و حنین دوستان که بعنان آسمان میرسید "مقرّ اطهر" را که از آن "نفحات سبحان" در هر صبح و شام متضوّع و "نعمات رحمن" در کلّ احیان مترنّم بود ترک فرمودند و در اثناء طریق به ایادی فضل و کرم نسبت به فقرا و مساکین که پیوسته موردتفقّد و احسان و دلجوئی و اکرام هیکل انور بودند انعام نمودند تا آنکه موکب مبارک به کنار شطّ رسید. در این حین وجه قدم به جانب اصحاب که هیکل اطهر را مشایعت مینمودند توجّه فرموده و آنان را باین خطاب فخیم مخاطب ساختند "ای دوستان من این مدینه بغداد را که در این حالت مشاهده مینمائید بشما میسپارم و میروم. ملاحظه نمائید چگونه یار و اغیار بر فراز مساکن و در اسواق و معابر مجتمع گشته چون ابر بهاری از دیدگانیشان سرشک حسرت جاری است حال بر شماست که با اعمال و افعال خود مگذارید نار محبتی که در صدور نفوس مشتعل است افسرده و مخمود گردد" (ترجمه). سپس قایق حاضر و هیکل معبود با اغصان و کاتب وحی سوار و به جانب بوستان نجیبیه که در آن طرف شطّ بود رهسپار شدند.

بمجردی که جمال اقدس ابهی باغ نجیبیه نزول اجلال فرمودند و رضوان اعظم بقدم سلطان قدم مزین گردید مؤذّن اذان عصر برآورد و هیکل اقدس مدت دوازده یوم قبل از عزیمت به اسلامبول در آن روضه غناء و حدیقه غلباء اقامت فرمودند. نفوسی که به جمیع قوا در نفی و تبعید حضرت بهاءالله اقدام نموده و از موفقیتشان در این امر مسرور و دلخوش بودند حال چون مراتب خلوص و ارادت و تعلق و احترام بی منتهای اهالی را از وضع و شریف نسبت به آن حضرت از حین اعلام حرکت از بغداد تا موقع خروج از باغ نجیبیه ملاحظ نمودند از کرده خویش پشیمان گشتند. حضرت عبدالبهاء در همان ایام شرحی از باغ رضوان مرقوم و در آن راجع باعدای مذکور میفرمایند "خدا چنان اسبابی فراهم آورد که فرح ایشان به حزن و اندوه تبدیل شده بقسمیکه ایلچی عجم که در بغداد است بسیار پشیمان شده است از این حیل و تزویری که نمودند و نامق پاشا در آن روز که آمد خدمت ایشان گفت پیش اصرار به رفتن شما داشتند حال بسیار اصرار به ماندن شما".

۱۰- ایشان از ما نمی خواهند که کورکورانه پیروی کنیم:

حضرت ولی محبوب امرالله در نامه ای خطاب به یکی از احباء می فرمایند:

" درست همانطور که در گذشته پیغمبران خود مورد زجر و آزار قرار گرفته و رسالتشان مورد استهزاء واقع شده بود، پیام حضرت بهاءالله نیز به عنوان یک آرمانخواهی غیر عملی مورد توهین قرار گرفته است. ایشان در اوان جوانی مغلول، تبعید و تحت زجر و آزار قرار گرفتند ولی امروز ما شاهد چه چیزی هستیم؟... اصولی که ایشان منادی آن بودند تنها راه حل روشهای سیاسی عملی میباشند و حقائق معنوی که توسط ایشان ابراز گردید نیازمندی محتوم انسان و درست عواملی است که او برای تکامل روحانی و اخلاقی خود به آن احتیاج دارد.

ایشان از ما نمی خواهند که کورکورانه پیروی کنیم، همچنان که در یکی از الواح فرموده اند خداوند انسان را به اندیشه ای مجهز ساخته است که به عنوان مشعلی باشد و او را به سوی حقیقت رهنمون شود. کلمات ایشان را بخوانید. تعالیم ایشان را مطالعه نمائید و ارزش آنها را در پرتو مشکلات عصر حاضر بسنجید و مطمئنا حقیقت بر شما مکشوف خواهد شد. کتابهایی نظیر ایقان، مفاوضات، تاریخ نبیل را بخوانید و شما آنگاه به حقیقت رسالت ایشان و همچنین روح واقعی که ایشان در همه پیروان خود می دمند پی خواهید برد"

انوار هدایت ش ۱۵۶۳

## هو الله

ای خداوند یاران هوشمند را بنواز، عیش روحانی مهیا ساز، بزم ربانی بیارا و جمال نورانی بنما. ای پروردگار ابرار را بزرگووار کن و فیض ابدی آشکار کن اسرار پدیدار نما و انوار انتشار ده هر دلی را همدم یادت کن و هر چشمی را روشن و بینا، دوستانرا عزیز کن و یاران را بافرهنگ و تمیز نما هر یک را شمع جمع کن و شاهد انجمن نما و سرو این چمن کن و طاوس این گلشن نما تا جهانرا تزیین بخشند و این نور مبین منتشر نمایند و جبین به پرتو فیض قدیم بیارایند تویی مقتدر وتوانا و توئی بخشنده و بینا لا اله الا انت الکریم الرحیم المعطی الفضال. ع

## ۸- بخشی از خطابه حضرت عبدالبهاء

از برای احباءالله یوم سروری اعظم از این نمی شود به دلیل چند : دلیل اول، یومی است که عظمت امرالله ظاهر و باهر شد. دلیل ثانی، جمیع اعداءالله خاضع شدند. دلیل ثالث، اعلان من یظهره اللهی گردید. دلیل رابع، جمالالمبارک در نهایت سرور و روح و ریحان چنین سفر مبارکی فرمودند. ملاحظه کنید که جمالالمبارک در آن سرگونی چه سروری داشتند که در ان ایام اعلان امر الهی را نمودند. دیگر نظیر ندارد، هیچ مثل و نظیر ندارد که امرالله در یوم سرگونی به این سرور و بهجت اعلان امر خود را بنماید این از جمله خصایص امر مبارک است که به ظاهر ظاهر ذلت، عزت کبری شد. سرگونی از برای هر نفسی ذلت کبری بود، از برای جمالالمبارک عزت کبری شد. باری، این دوازده روز که ایام مصیبت عظمی بود، احزان شدید بود، چرا ؟ یوم سرگونی بود، چون عظمت امرالله نمودار گردید، علویت کلمه الله واضح شد و اسرار کتب مقدسه اکمال گردید و جمالالمبارک در نهایت فرح و سرور بودند. این دوازده روز، روز عید رضوان است لهذا از برای احباب ایامی مبارک تر از این نمی شود. احبای الهی اعیاد این ایام را باید مکمل بگیرند. جمیع اسباب فرح و سرور فراهم آرند. در نهایت اشتعال و انجذاب باشند. سزاوار چنین است، کار را باید هیچ نکرد یا درست کرد وقتی که انسان مباشرت به کاری میکند باید درست بکند. همه اش میهمانیهای بسیار مکمل باشد، انواع شیرینی ها باشد، چراغان باشد اسباب عیش و عشرت باشد. عید باید عید باشد نه اسم بلا جسم در سایر ایام کار و شغل و عمل و کوشش است و لی این ایام، ایام خوشی و سرور و فرح و وجد و طرب است.

(ایام تسعه ص ۳۲۸ و آهنگ بدیع سال اول شماره ششم)